

مقایسه سبک شناسانه بین نامه های تاریخ بیهقی و متن روایی

ولی الله اسماعیل پور*

چکیده

مقاله حاضر تحت عنوان: «مقایسه سبک شناسانه بین نامه های تاریخ بیهقی و متن روایی» است، که در حوزه دستگاه زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. دستگاه زبانی که در تحقیقات ادبی جزء حوزه شکل محسوب می شود به سه قسم تقسیم می شود: 1- بخش آوایی 2- بخش واژگانی 3- بخش محتوایی تقسیم می گردد. از این سه بخش فقط بخش واژگانی و محتوایی چهارچوب این پژوهش را تشکیل می دهد. این حوزه عموماً ماهیت سبک شناختی دارد. اهمیت و ضرورت این پژوهش آن است که روشن شود با عنایت به اینکه بیهقی از منشیان و دبیران دربار غزنوی بود، آیا نامه های اداری او با متن روایی که بدون هیچ قید و شرطی نوشته شده است، تفاوت یا تشابهی دارد؟ دستاوردهای پژوهش روشن می سازد که نامه های اداری و متن روایی از حیث واژگانی، نسبت به یکدیگر تفاوت چشمگیر و قابل ملاحظه ای ندارند، ولی از حیث محتوایی و ساخت های انحرافی تفاوت شیوه نگارش نامه های اداری با شیوه نگارش متن بسیار ملموس و بیانگر مطالبی از این قرار است: متن روایی یک متن توصیفی و آهنگین است و صبغه شعری دارد، ولی نامه های اداری ظاهری خشک، و رسمی دارد و فقط برای رساندن مقصودی به طور کوتاه و مختصر نوشته می شود. در نامه های اداری نویسنده نمی تواند از شگردهای داستان پردازانه در نثر خود استفاده کند یا دست به دامان تخیل بیاویزد و وارد این عرصه گردد، در حالی که استفاده از چنین شگردی خاص متون داستانی و روایی است.

کلید واژه ها: تاریخ بیهقی، سبک شناختی، متن روایی، نامه های اداری، دستگاه زبانی، محتوا.

مقدمه

تاریخ مجموعه ای از تحولات بشری است که در بستر زمان روی می دهد و هویتی حقیقی است که انسان ها و پدیده های انسانی در آن قرار دارند. تاریخ بیهقی نیز از نوع تاریخ هایی است که در بستری از زمان روی داده و نویسنده برجسته، ابوالفضل بیهقی، آن را نوشته است. این کتاب یکی از بزرگترین کتب تاریخی است که نکات اخلاقی عبرت انگیز، جهان بینی و تراژدی را دربردارد. بیهقی با به کارگیری واژه های زیبای پارسی ترکیبات بی نظیر، تعبیرات لغوی، افعال ترکیبی و ضرب المثل های جذاب و دلپذیر فارسی توانسته است نسبت به نویسندگان دیگر گوی سبقت را برآید. او بدین سان در انتقال زبان مرسوم خراسان آن روزگار که مهد زبان فارسی به شمار می آمده، موفقیت بی نظیری داشته است.

کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی از اینکه مستند و متقن باشد، شکی در آن نیست. بیهقی در زمره مورخانی نیست که رویداد تاریخ خود را بدون تحقیق دقیق و اطلاعات کافی و مستند می نویسند و حتی آنان را مورد انتقاد شدید قرار می دهد. وی معتقد است که یک تاریخ نویس، نوشته هایش یا باید مبتنی بر مشاهده شخصی باشد یا اینکه از شخص مورد اعتماد شنیده باشد و یا در کتابی خوانده باشد که خرد نیز باید درستی آن گفتار را تأیید کند. بیهقی از غرض ورزی هایی که دیگر تاریخ نویسان به آن گرفتارند، پرهیز نموده و از گفتن بایستنی ها مضایقه نمی کند و تاریخش را بدون هیچ روی و ریایی می گفته است. چون این کتاب را بدون خواهش و امر کسی نوشته است، حقیقت گویی در سراسر آن موج می زند.

بنا بر ضرورت موضوع، لازم است در خصوص شخصیت بیهقی و ویژگی های



سبکی دوره دوم (غزنوی) سال های 450-550 به صورت خلاصه توضیحاتی بیان شود. **شخصیت بیهقی:** ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی به سال 385 هجری در حارث آباد بیهق چشم به جهان گشود. او در روزگار جوانی وارد دربار غزنویان شد و در دیوان رسالت محمود غزنوی که ابونصر مشکان ریاست آن را برعهده داشت، به سمت شاگردی و به عنوان دستیار ابونصر مشکان به دبیری پرداخت. بیهقی قریب به نوزده سال زیر نظر ابونصر مشکان به آداب نویسندگی پرداخت. بیهقی در شغل دبیری از دیگران گوی سبقت را ربود و با فراست و خردمندی خود توانست نامه هایی که به ولایات دیگر می رفت از روی سواد یا پیش نویس شده بونصر، بیاض کند. هنر دیگر بیهقی این است که او علاوه بر دبیری، خط زیبایی نیز داشته است. بیهقی سالها به ثبت وقایع می پرداخت و آنها را روز به روز یادداشت برداری می کرد. یادداشت های او شامل چیزهایی بود که خودش به معاینه می دید یا از افراد مورد اطمینان می شنید یا از کتاب های مطمئن و معتبر می خواند. نتیجه آن یادداشت ها کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی است که آن را می توان از شاهکارهای نثر مرسل عالی دانست. کتاب تاریخ بیهقی علاوه بر اهمیت تاریخی، ارزش اخلاقی، ادبی، هنری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد.

سبک نثر فارسی و مختصات آن در دوره دوم 450-550 (دوره غزنوی و

سلجوقی اول) در این دوره سبک نثر فارسی اندک اندک به سوی نثر فنی گرایش می یابد. ریشه تحول آن را باید در عوامل گوناگون سیاسی و اجتماعی مانند تغییر نثر از سادگی به پیچیدگی، چیرگی شعر بر حوزه های ادبی و تنوعات بلاغی جستجو کرد. به هر روی، در این دوره نثر فارسی حالتی بینابین دارد یا به گفته خطیب رهبر «نثر مرسل عالی است» (بیهقی، 1385:29). نثر این دوره عموماً تاریخی، فلسفی و دینی و اندرزی است. نمونه کامل نثر این دوره از لحاظ ویژگی های سبکی، نوشته های بونصر و شاگردش ابوالفضل بیهقی است. بیهقی در سبک نثر «کاملاً از استادش بونصر تقلید می کند» (بهار، 1373:67). عمل بیهقی یک تقلید صرف نیست، بلکه با خلاقیت و ابداع همراه است که اثرش را از تقلید به سوی سبک عالی سوق می دهد.

ویژگی یا مختصات سبکی این دوره

1. نثر فارسی این دوره برخلاف دوره قبل به اطناب گرایش می یابد.



- عبارات مفصل تر و طولانی تر است. این مسأله در نوشته های بونصر و بیهقی کاملاً مشهود است و آنچه از دیگر کتب این عصر و پیش از آن برمی آید، آن است که آن کتاب ها اختصار بیشتری داشته اند؛ اما بیهقی بارها و بارها خود به اطنابی که دارد از خوانندگان خود عذرخواهی می کند. مثل: «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسانتر گرفته اند و شمه ای بیش یاد نکرده اند؛ اما من چون این کار پیش گرفتم، می خواهم که داد این تاریخ را بتمامی بدهم و گرد زوایا و خیابا برگردم تا هیچ چیز از احوال پوشیده نماند و اگر این کتاب دراز شود و خوانندگان را از خواندن ملامت افزاید طمع دارم بفضل ایشان که مرا از مبرمان نشمرند». (بهار، 1373:67).
2. نثر در این دوره توصیفی است. نثر بیهقی نیز توصیفی می باشد. به همین دلیل نوشته هایش اطناب است تا عبارات را توصیف و منظره سازی کند و این اطناب ها دلچسب و به جا به اقتضای موقع است و گاه ایجازهای مناسب زمان در کتاب او سبب می شود تا نه تنها ملال انگیز نگردد، بلکه بیان او را نیز بسیار گیراتر و رساتر می سازد.
 3. به کارگیری استشهاد و تمثیل به آیات و احادیث در این دوره رواج داشته اما حد اعتدال آن رعایت شده است. رعایت سجع و تکلفات ادبی نثر را از شیوه مرسل دور نمی کند.
 4. به کار بردن لغات تازی (عربی) در حد اعتدال که به زبان فارسی لطمه ای وارد نشده است و درصد آن چشمگیر نیست.
 5. پرهیز از تکرار فعل یا رابطه در جمله که در این دوره تکرار جای خود را به حذف به قرینه داده است.
 6. اصولاً سبک نثر فارسی در این دوره سه گونه تأثیر از زبان عربی گرفته است:
 - 1-7- ورود لغات عربی تازه که در سبک دوره قبل نبوده است.
 - 2-7- کاربرد کلمات تنوین دار عربی
 - 3-7- «کاربرد جملات عربی در آغاز بدون قصد تمثیل و استشهاد و کاربرد ساختار جملات عربی و شکل جمله بندی آنها». (بیهقی، 1385:10) که این خصوصیات کاملاً در نثر بیهقی مشهود است.

نامه اول: نامه امیرمسعود به آلتونناش

«بسم الله الرحمن الرحيم. بعد الصّدر و الدّعاء، ما با دل خویش حاجب فاضل عمّ، خوارزمشاه آلتونناش را بدان جایگاه یابیم که پدر ما، امیر ماضی بود که از روزگار کودکی تا امروز او را بر ما شفقت و مهربانی بوده است که پدران را باشد بر فرزندان؛ اگر بدان وقت بود که پدر ما خواست که وی را ولیعهدی باشد و اندران رأی خواست از وی و دیگر اعیان، از بهر ما را، جان بر میان بست تا آن کار بزرگ با نام ما راست شد. و اگر پس از آن چون حاسدان و دشمنان دل او را بر ما تباه کردند و درشت تا ما را بمولتان فرستاد و خواست که آن رای نیکو را که در باب ما دیده بود، بگرداند و خلعت ولایت عهد را بدیگر کس ارزانی دارد، چنان رفق نمود و لطایف حیل بکار آورد تا کار ما از قاعده بنگشت و فرصت نگاه می داشت و حیلت میساخت و یاران گرفت تا رضای آن خداوند را بیاب ما دریافت و بجای باز آورد، و ما را از مولتان بازخواند و بهمراه باز فرستاد. و چون قصد ری کرد و ما با وی بودیم و حاجب، از گرکانج به، گرگان آمد و در باب ما برادران بقسمت ولایت سخن رفت، چندان نیابت داشت و در نهران سوی ما پیغام فرستاد که «امروز البتّه روی گفتار نیست، انقیاد باید نمود بهرچه خداوند بیند و فرماید» و ما آن نصیحت پدرانه قبول کردیم، و خاتمت آن برین جمله بود که امروز ظاهر است؛ و چون پدر ما فرمان یافت و برادر ما را بغزنین آوردند نامه یی که بنوشت و نصیحتی که کرد و خویشان را که پیش ما داشت و از ایشان بازکشید بر آن جمله بود که مشفقان و بخردان و دوستان بحقیقت گویند و نویسند، حال آن جمله با ما بگفتند و حقیقت روشن گشته است. و کسی که حال وی برین جمله باشد، توان دانست که اعتقاد وی در دوستی و طاعت داری تا کدام جایگاه باشد، و ما از وی بهمه روزگارا این یکدلی و راستی دیده ایم، توان دانست که اعتقاد ما به نیکوداشت و سپردن ولایت و افزون کردن محل و منزلت و برکشیدن فرزندان را و نام نهادن مرایشان را تا کدام جایگاه باشد. و درین روزگار که بهرات آمدیم، وی را بخواندیم تا ما را ببیند و ثمرت کردارهای خوب خویش بیابد. پیش از آنکه نام بدو رسد، حرکت کرده بود و روی بخدمت نهاده. و میخواست که او را با خویشان ببلخ بریم یکی آنکه در مهمّات ملک که پیش داریم، با رأی روشن او رجوع کنیم که معطل مانده است چون مکاتبه کردن با خانان ترکستان و عهد بستن و عقد نهادن، و علی تگین را که



همسایه است و درین فترات که افتاد، بادی در سر کرده است بدان حدّ و اندازه که بود باز آوردن و اولیا و حشم را بنواختن و هر یکی را از ایشان بر مقدار و محل و مرتبت بداشتن و با میری که داشته اند رسانیدن؛ مراد میبود که این همه بمشاهدات و استصواب وی باشد، و دیگر اختیار آن بود تا وی را بسزاتر بازگردانیده شود. اما چون اندیشیدیم که خوارزم ثغری بزرگ است و وی از آنجای رفته است و ما هنوز بغزنین نرسیده، و باشد که دشمنان تأویلی دیگرگونه کنند و نباید که در غیبت او آنجا خللی افتد، دستوری دادیم تا برود و وی را، چنانکه عبدوس گفت، نامه ها رسیده بود که فرصت جویان می بجنبند، و دستوری بازگشتن افتاده بود، در وقت بتعجیل تر برفت و عبدوس بفرمان ما بر اثر وی بیامد و او را بدید و زیارت اکرام ما بوی رسانید و باز نمود که چند مهم دیگرست بازگفتنی با وی، و جواب یافت که «چون برفت مگر زشت باشد بازگشتن، و شغلی و زمانی که هست و باشد بنامه راست باید کرد» و چون عبدوس بدرگاه آمد و این بگفت، ما رأی حاجب را درین باب جزیل یافتیم، و از شفقت و مناصحت وی که دارد بر ما و بر دولت هم این واجب کرد، که چون دانست که در آن ثغر خللی خواهد افتاد چنانکه معتمدان وی نبنشته بودند، بشتافت تا بزودی بر سرکار رسد که این مهمات که میبایست که با وی بمشافهه اندر آن رأی زده آید بنامه راست شود.

اما یک چیز بر دل ما ضجرت کرده است و می اندیشم که نباید که حاسدان دولت را - که کار این است که جهد خویش میکنند تا که برود و اگر نرود، دل مشغولها می افزایند. چون کژدم که کار او گزیدن است بر هر چه پیش آید - سخنی بیش رفته باشد، و ندانیم که آنچه بدل ما آمده است حقیقت است یا نه، اما واجب دانیم که در هر چیزی از آن راحتی و فراغتی بدل وی پیوندد مبالغتی تمام باشد. رأی چنان واجب کرد که این نامه فرموده آمد و بتوقع ما مؤکد گشت و فصلی بخط ما در آخر آن است. عبدوس را فرموده آمد و بوسعد مسعدی را که معتمد و وکیل در است از جهت وی، مثال داده شد تا آنرا بزودی نزدیک وی برند و برهاند و جواب بیارند تا بر آن واقف شد و آید. چند فریضه است که چون ببلخ رسیم در ضمان سلامت آن را پیش خواهیم گرفت چون مکاتبت کردن با خانان ترکستان و آوردن خواجه فاضل، ابوالقاسم احمد بن الحسن، آدم اللّه تأییده، تا وزارت بدو داده آید و حدیث حاجب آسیغنگمین غازی که ما را بنیشابور خدمتی کرد بدان نیکویی و بدان سبب محل سپاه سالاری یافت. و نیز آن معانی که پیغام داده شد، باید که

بشنود و جوابهای مشبع دهد تا بر آن واقف شده و آید. و بداند که ما هر چه از چنین مهمات پیش گیریم، اندر آن با وی سخن خواهیم گفت، چنانکه پدر ما، امیر ماضی، رضی الله عنه گفتی، که رأی او مبارک است. باید که وی نیز هم برین رود و میان دل را بمامی نماید و صواب و صلاح کارها میگوید بی حشمت تر که سخن وی را نزدیک ما محلی است سخت تمام، تا دانسته آید.»

نامه دوم: گشادنامه امیر محمود به خیلانش در داستان خیشخانه

«بسم الله الرحمن الرحيم. محمود بن سبکتگین را فرمان چنان است این خیلانش را که بهرات به هشت روز رود. چون آنجا رسد یکسر تا سرای پسر مسعود شود و از کس باک ندارد و شمشیر برکشد و هر کس که وی را از رفتن باز دارد، گردن وی بزند، و همچنان بسرای فرو رود و سوی پسر ننگرد و از سرای عدنانی بیاغ فرود رود، و بر دست راست باغ حوضی است و بر کران آن خانه یی بر چپ، درون آن خانه رود و دیوارهای آنرا نیکو نگاه کند تا بر چه جمله است و در آن خانه چه بیند و در وقت بازگردد، چنانکه با کس سخن نگوید و بسوی غزنین بازگردد. و سبیل قتلغ تگین حاجب بهشتی آن است که برین فرمان کار کند، اگر جانش بکار است و اگر محابایی کند جانش برفت؛ هر یاری خیلانش را ببايد داد بدهد تا بموقع رضا باشد، بِمَشِيَةِ اللَّهِ وَ عَوْنِهِ وَ السَّلَامِ.»

متن روایی تاریخ بیهقی از وزارت احمد بن حسن میمندی به عنوان نمونه

و مقرر گشت همگان را که کار وزارت قرار گرفت، و هزاهز در دلها افتاد که نه خردمردی بر کار شد، و کسانی که خواجه از ایشان آزاری داشت نیک بشکوهیدند و بوسهل زوزنی بادی گرفت که از آن بهول تر نباشد و به مردمان می نمود که این وزارت بدو می دادند نخواست و خواجه را وی آورده است و کسانی که خرد داشتند دانستند که نه چنان است که او می گوید، و سلطان مسعود داهی تر و بزرگ تر و دریافته تر از آن بود که تا خواجه احمد بر جای بود وزارت به یکی دیگر دادی که پایگاه و کفایت هر کسی دانست که تا کدام اندازه است و دلیل روشن بدین که گفتم آن است که چون خواجه احمد گذشته شد و بهرات، امیر این قوم را می دید و خواجه احمد عبدالصمد را یاد می کرد و می گفت که این شغل را هیچ کس شایسته تر از وی نیست و چون در تاریخ بدین جای رسم این حال به تمامی شرح دهم. و این نه از آن می گویم که من از بوسهل جفاها دیدم، که بوسهل و این قوم همه رفته



اند و مرا پیداست که روزگار چند مانده است اما سخن راست باز مینمایم و چنان دانم که خردمندان و آنانکه روزگار دیده اند و امروز این را بر خوانند بر من بدین چه نبشتم عیبی نکنند که من آنچه نبشتم از این ابواب حلقه در گوش باشد و از عهده آن بیرون توانم آمد و الله عز ذکرة يعصمني و جميع المسلمين من الخطاء و الزلل بمنه و فضله و سعة رحمة.

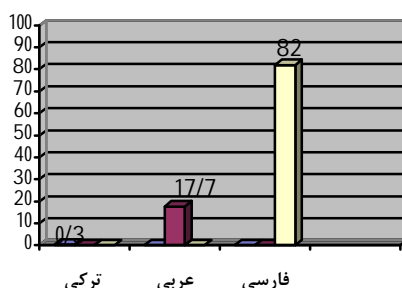
بررسی سطح زبانی

سطح لغوی یا سبک شناسی واژه ها

در این بخش لغات فارسی و عربی، لغات بیگانه مثلاً ترکی، افعال از حیث ساختمان و زمان، حروف اضافه، صفت ها و قیدهای به کار رفته در متن روایی و نامه ها مورد بررسی قرار گرفته است که جامعه آماری آن به شرح زیر است.

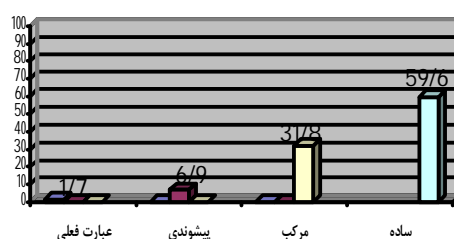
الف) بررسی نامه امیر مسعود به آلتوتاش

1. واژگان: کل واژگان به کار رفته در نامه 950 واژه است که از این تعداد 779 واژه فارسی (82 درصد)، 168 واژه عربی (17/7 درصد) و 3 واژه ترکی (0/3 درصد) است. بررسی واژگان این نامه بیانگر آن است که علی رغم دیوانی بودن نامه و با توجه به شغل نویسنده نامه (دبیری رسالت) وی ترجیح خود را بر به کارگیری پرشمار واژگان و ترکیبات زبان فارسی قرار داده است و بهره گیری او از واژگان عربی که به نوعی جزء ملزومات دبیری دربارهای آن روزگار به شمار می آمده و نیز زبان عربی که به عنوان زبان دربار غزنه محسوب می شده، در حد اعتدال و متعارف بوده و بیهقی را چندان اسیر لفظ پردازی ها و لف و نشرهای زاید قرار نداده است. در نتیجه به کارگیری واژگان پرشمار فارسی، کتاب تاریخ بیهقی را بسیار ارزشمند کرده است و بی گمان اگر بیهقی بسیاری از این واژگان فارسی را استعمال نمی کرد مانند هزاران واژه فارسی به دست فراموشی سپرده می شد.



نمودار الف - 1

2. فعل ها: کل فعل های به کار رفته در نامه 173 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 18/2 درصد است. از این تعداد 103 فعل ساده (59/6 درصد)، 55 فعل مرکب (31/8 درصد)، 12 فعل پیشوندی (6/9 درصد) و 3 عبارت فعلی (1/7 درصد) می باشد و بیانگر آن است که به لحاظ ویژگی سبکی و در مقایسه با سبک نثر دوره پیش از خود (سامانیان) نسبت بسامد افعال به کل واژگان به کار رفته در متن انتخابی از تاریخ بیهقی از حالت اعتدالی شبیه به نثر امروزی زبان فارسی است. شاید یکی از علت های آن این باشد که در نثر این دوره کم کم حذف به قرینه لفظی و معنوی جا افتاده و اعمال می شود و دیگر آنکه جملات نثر این دوره نسبت به جملات نثر عصر پیش از خود (سامانیان) تا حد قابل توجهی بلندتر است و نویسنده این دوره سعی کرده تا با آوردن یک فعل چند مفهوم را به خواننده خود القا کند.

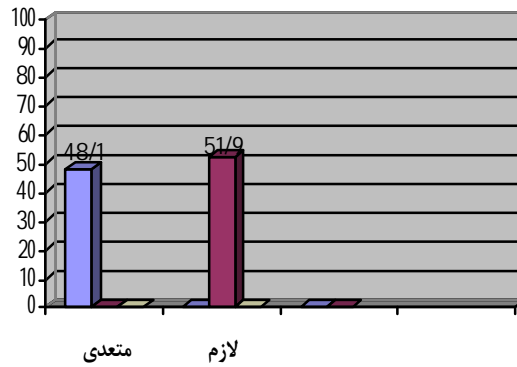


نمودار الف - 2

1-2- فعل های لازم و متعدی: کل فعل های لازم و متعدی به کار رفته 79 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 8/3 درصد می باشد و از این تعداد 41 فعل لازم (51/9 درصد) و 38 فعل متعدی (48/1 درصد) است بیهقی فعل های متعدی

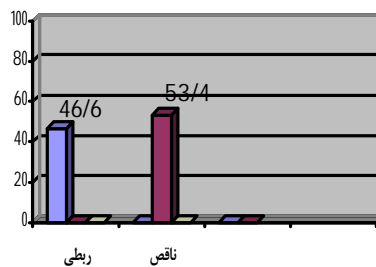


را به طرز خاصی استعمال می کند، یعنی بعضی از این افعال را با مفعول با واسطه و بعضی را با مفعول بی واسطه و یا هر دو وجه را جایز می دانسته است. این مسأله بیانگر آن است که نویسندگان به خاطر ویژگی سبکی آن دوره این افعال را بدین صورت استعمال می نموده است. مثلاً افعالی که مرکبند و مفعول بی واسطه آنها میان دو جزء فعل مرکب قرار می گیرد و مضاف الیه قسمت اول فعل می شود و این نوع مفعول بی واسطه نیز غالباً دارای حرف «را» نیست، مانند بیشتر برکشد؛ یا افعالی که مفعول بی واسطه آنها یک کلمه است که با حرف «را» می آید، مثل «دیوارهای آنرا نیکو نگاه کند».



نمودار الف - 3

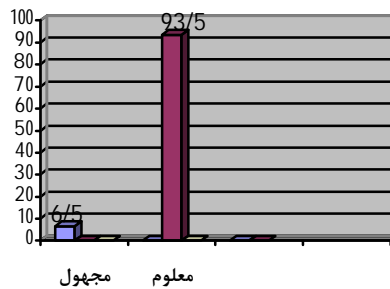
2-2. **فعل های ربطی و ناقص:** کل فعل های ربطی و ناقص به کار رفته 73 فعل و نسبت آن به کل واژگان 7/7 درصد است و از این تعداد 39 فعل ناقص (53/4 درصد) و 34 فعل ربطی (46/6 درصد) است. به کارگیری این نوع افعال در نثر دوره غزنوی و سلجوقی متداول بوده است.



نمودار الف - 4

2-3. **فعل های معلوم و مجهول:** کل فعل های معلوم و مجهول به کار رفته 170 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 17/9 درصد و از این تعداد 11 فعل مجهول (6/5 درصد) و 159 فعل معلوم (93/5 درصد) است.

این مطلب بیانگر آن است که با توجه به شغل نویسنده کتاب (دبیری دیوان رسالت) و حضور وی در دربار سلاطین غزنوی و حساسیت ها و پنهان کاری های خاص دربار که جزو ملزومات اساسی زندگی شغلی از این گونه است، می بایست از افعال مجهول بیشتری استفاده می شده؛ اما به دلیل صداقت خاصی که در شیوه بیان و کردار بیهقی وجود دارد، نیازی به بهره گیری از فعل مجهول و پنهان کردن فاعل و کننده کار در نوشته خود احساس نمی کرده است.



نمودار الف - 5

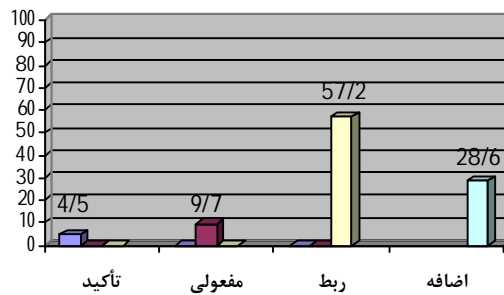
2-4. **زمان فعل ها:** کل فعل های به کار رفته از حیث زمان 123 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 13 درصد است و از این تعداد 64 فعل ماضی ساده (52 درصد)، 16 مضارع التزامی (13 درصد)، 13 مضارع ساده (10/6 درصد)، 9 ماضی نقلی (7/3 درصد)، 6 مضارع اخباری (4/9 درصد)، 6 ماضی بعید (4/9 درصد)، 5 ماضی استمراری (4 درصد)، 3 زمان آینده (2/5 درصد) و 1 ماضی التزامی (0/8 درصد) است.

بیهقی در تاریخ خود فعل ها را از حیث زمان به صورت های مختلفی به کار برده است. مثلاً مضارع التزامی را به جای اخباری و یا برعکس و مضارع ساده را به جای ماضی التزامی (دارند به جای داشته باشند)، یا ماضی ساده را به جای آینده مستقبل محقق الوقوع (رفت به جای خواهد رفت) به کار برده است.



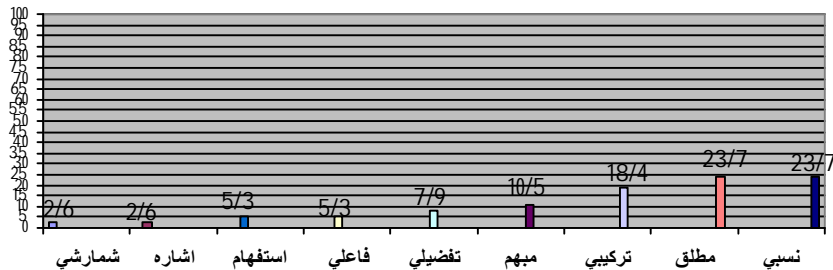
نمودار الف - 6

3. **حرف ها:** کل حرف های به کار رفته در نامه 332 حرف است که از این تعداد، 95 حرف اضافه (28/6 درصد)، 190 حرف ربط (57/2 درصد)، 32 حرف مفعولی (9/7 درصد) و 15 حرف تأکید (4/5 درصد) می باشد. حرف های وابسته ساز از جمله حرف های اضافه و ربط در تاریخ بیهقی به شکلی استعمال می شود که معنای خاصی را می رساند و در مواردی به کار می روند که امروز مرسوم و معمول نیست. در این متن حرف های عطف و اضافه بیشترین کاربرد را دارد.



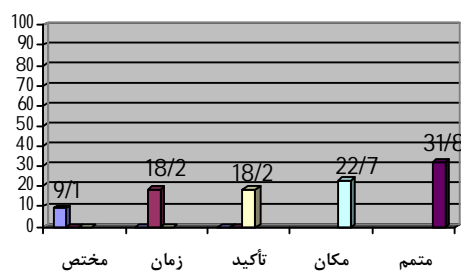
نمودار الف - 7

4. **صفت ها:** کل صفت های به کار رفته در نامه 38 صفت است که از این تعداد 9 صفت نسبی (23/7 درصد)، 9 صفت مطلق (23/7 درصد)، 7 صفت ترکیبی (18/4 درصد)، 3 صفت تفضیلی (7/9 درصد)، 4 صفت مبهم (10/5 درصد)، 2 صفت فاعلی (5/3 درصد)، 2 صفت استفهام (5/3 درصد)، 1 صفت اشاره (2/6 درصد) و 1 صفت شمارشی (2/6 درصد) می باشد. صفت های اشاره ای که نویسنده به کار می برد، بیشتر به منظور معرفه نشان دادن است.



نمودار الف - 8

5. **قیدها:** کل قیدهای به کار رفته 22 قید است که از این تعداد 7 قید متمم (31/8 درصد)، 5 قید مکان (22/7 درصد)، 4 قید تأکید (18/2 درصد)، 4 قید زمان (18/2 درصد) و 2 قید مختص (9/1 درصد) است.

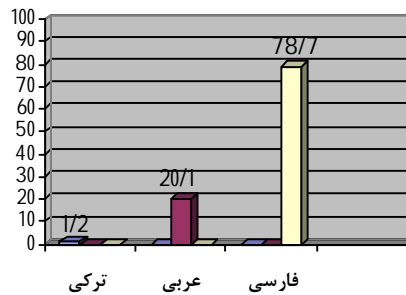


نمودار الف - 9

ب) بررسی نامه امیر محمود به خيلتاش در داستان خيشخانه

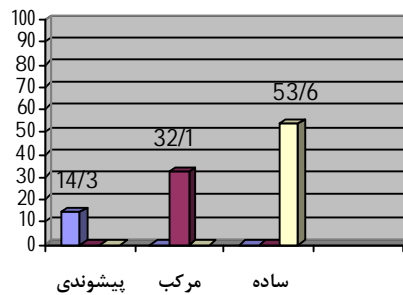
قبل از بررسی واژگان ذکر این نکته ضروری است که کلیه توضیحات مطالب نامه قبلی اعم از واژگان و فعل ها و... در مورد این نامه نیز صدق می کند.

1. **واژگان:** کل واژه های به کار گرفته شده از سوی بیهقی (در نامه امیر محمود به خيلتاش) 169 واژه است. از این تعداد واژگان، 34 واژه (20/1 درصد) عربی، 133 واژه (78/7 درصد) فارسی و 2 واژه (1/2 درصد) ترکی است (نمودار 1).



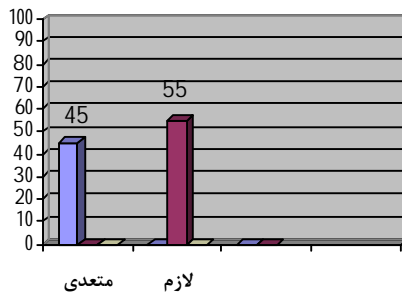
نمودار ب- 1

2. **فعل ها:** کل فعل های به کار رفته در متن از حیث ساختمان 28 فعل می باشد که نسبت آن به کل واژگان 16/6 درصد است و از این تعداد 15 فعل ساده (53/6 درصد)، 9 فعل مرکب (32/1 درصد)، 4 فعل پیشوندی (14/3 درصد) است.



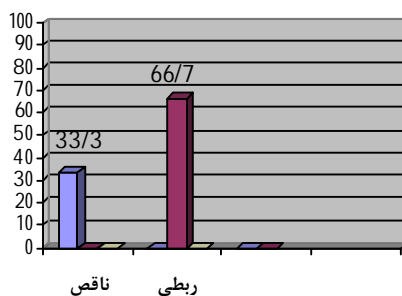
نمودار ب- 2

1-2. **فعل های لازم و متعدی:** کل فعل های به کار رفته 20 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 11/9 درصد است و از این تعداد 11 فعل لازم (55 درصد) و 9 فعل (45 درصد) متعدی است.



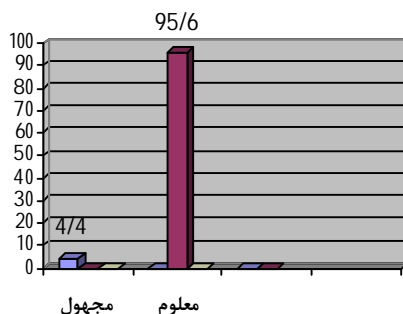
نمودار ب- 3

2-2. فعل های ربطی و ناقص: کل فعل های به کار رفته از حیث ربطی و ناقص مجموعاً 9 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 5/3 درصد و از این تعداد 6 فعل ربطی (66/7 درصد) و 3 فعل ناقص (33/3).



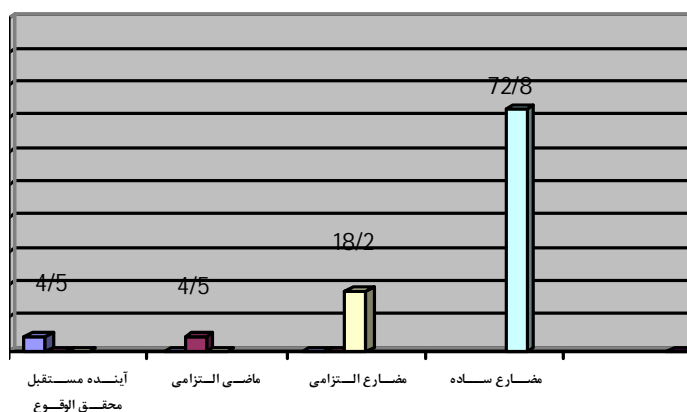
نمودار ب- 4

3-2. فعل های معلوم و مجهول: کل فعل های به کار رفته از حیث معلوم و مجهول 23 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 13/6 درصد می باشد و از این تعداد 22 فعل (95/6) معلوم و تنها 1 فعل مجهول (4/4 درصد) است.



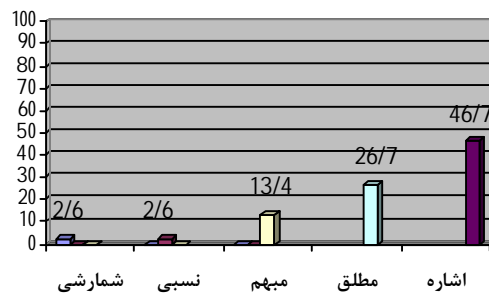
نمودار ب - 5

4-2. **زمان فعل ها:** کل فعل های به کار رفته از حیث زمان 22 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 13 درصد می باشد و از این تعداد 4 فعل مضارع التزامی (18/2 درصد)، 16 مضارع ساده (72/8 درصد)، 1 فعل ماضی التزامی (4/5 درصد) و 1 فعل مستقبل محقق الوقوع (4/5 درصد) است.



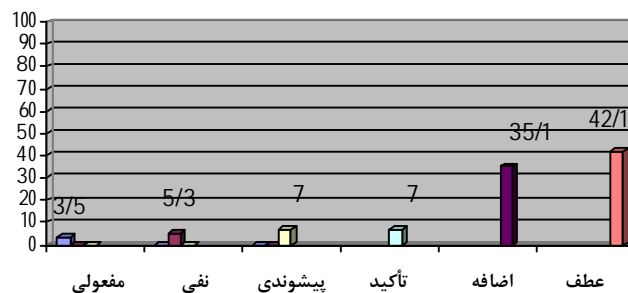
نمودار ب - 6

3. **صفت ها:** کل صفت های به کار رفته در این متن 15 صفت است که از این تعداد 7 صفت اشاره (46/7 درصد)، 4 صفت مطلق (26/7)، 2 صفت مبهم (13/4 درصد) و 1 صفت شمارشی (2/6 درصد) و 1 صفت نسبی (2/6 درصد) است.



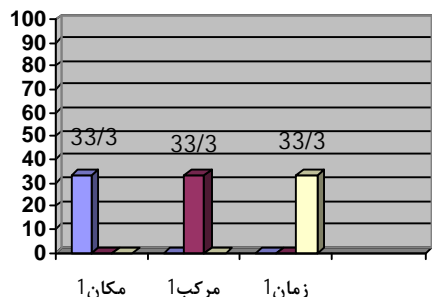
نمودار ب - 7

4. **حرف ها:** کل حرف های به کار رفته 57 حرف است که از این تعداد 20 حرف اضافه (35/1 درصد)، 24 حرف ربط (42/1 درصد)، 4 حرف تأکید (7 درصد)، 2 حرف مفعولی (3/5 درصد)، 3 حرف نفی (5/3 درصد) و 4 حرف پیشوندی (7 درصد) است.



نمودار ب - 8

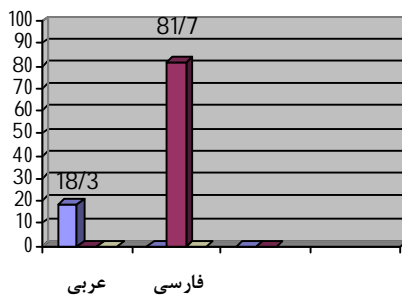
5. **قیدها:** کل قیدهای به کار گرفته شده در این متن 3 قید است که نسبت به مجموع واژه ها بسیار کم می باشد. 1 قید مکان (33/3 درصد) و 1 قید مرکب (33/3 درصد) و 1 قید زمان (33/3 درصد) به کار رفته است.



نمودار ب - 9

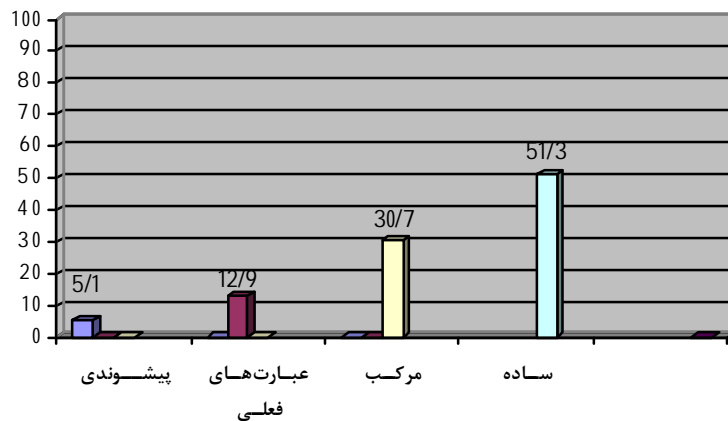
ج) متن روایی تاریخ بیهقی (وزارت احمد بن حسن میمندی)

1. واژگان: کل واژگان به کار رفته در این متن 262 واژه است که از این تعداد 48 واژه (18/3 درصد) عربی و 214 واژه (81/7 درصد) فارسی است. بررسی واژگان این متن روایی بیانگر آن است که بیهقی واژگان فارسی را بر عربی ترجیح می دهد و واژگان عربی را در حد متعارف و اعتدال به کار می گیرد و هیچگاه در تاریخ نویسی خود اسیر واژگان عربی نمی شود.



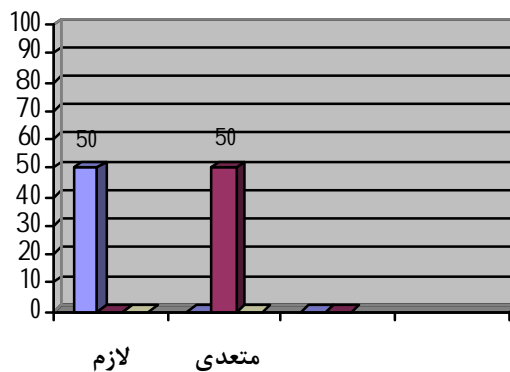
نمودار ج - 1

2. فعل ها: کل فعل های به کار رفته در متن از حیث ساختمان 39 فعل می باشد که نسبت آن به کل واژگان 14/9 درصد است. از این تعداد 20 فعل ساده (51/3 درصد)، 12 فعل مرکب (30/7 درصد)، 5 عبارت فعلی (12/9 درصد) و 2 فعل پیشوندی (5/1 درصد) است.



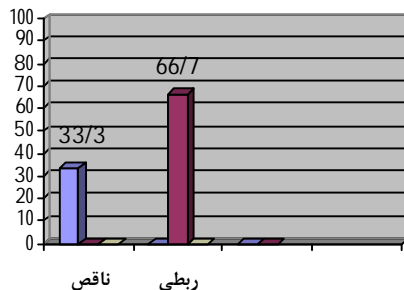
نمودار ج - 2

1-2. **فعل های لازم و متعدی:** کل فعل های لازم و متعدی به کار رفته در متن 28 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 10/7 درصد و از این تعداد 14 فعل لازم (50 درصد) و 14 فعل (50 درصد) متعدی است.



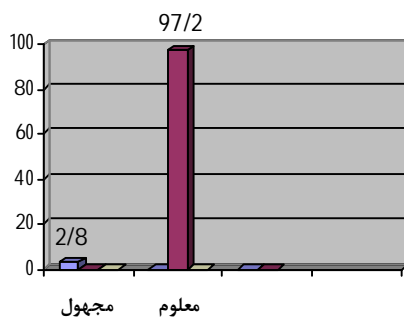
نمودار ج - 3

2-2. **فعل های ربطی و ناقص:** کل فعل های ربطی و ناقص به کار رفته 15 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 5/8 درصد است و از این تعداد 10 فعل ربطی (66/7 درصد) و 5 فعل (33/3 درصد) ناقص می باشد.



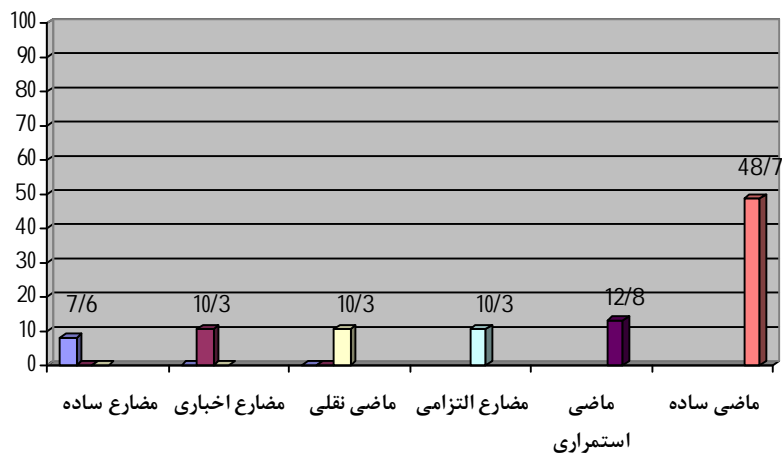
نمودار ج - 4

3-2. **فعل های معلوم و مجهول:** کل فعل های معلوم و مجهول به کار رفته در متن 36 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 13/7 درصد و از این تعداد 35 فعل معلوم (97/2 درصد) و 1 فعل مجهول (2/8 درصد) است.



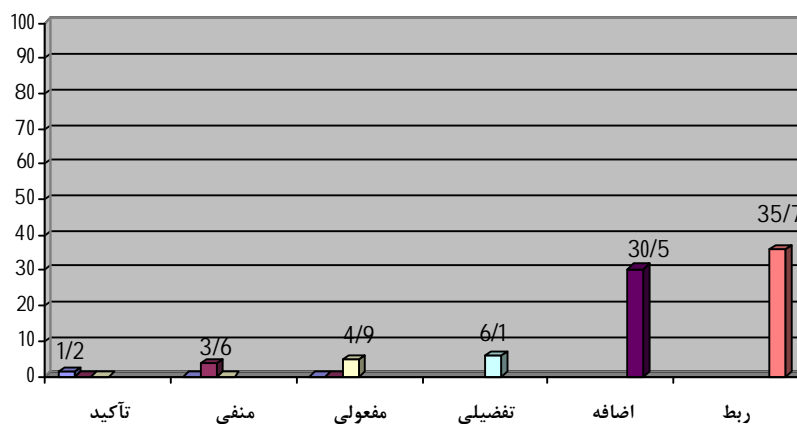
نمودار ج - 5

4-2. **زمان فعل ها:** کل فعل های به کار رفته در متن از حیث زمان 39 فعل است که نسبت آن به کل واژگان 14/9 درصد و از این تعداد 19 فعل ماضی ساده (48/7 درصد)، 5 فعل ماضی استمراری (12/8 درصد)، 4 مضارع التزامی (10/3 درصد)، 4 ماضی نقلی (10/3 درصد)، 4 مضارع اخباری (10/3 درصد) و 3 مضارع ساده (7/6 درصد) است.



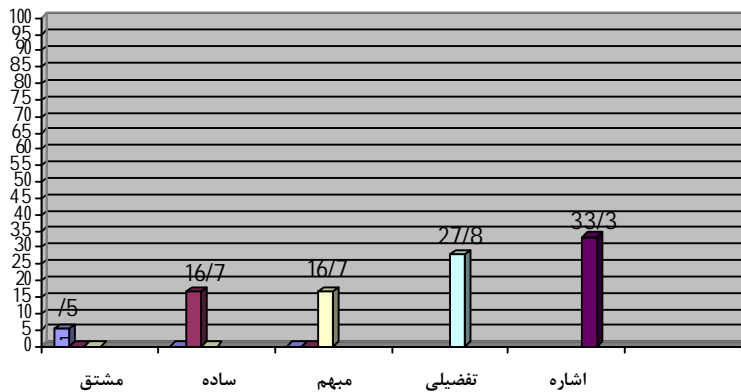
نمودار ج - 6

3. **حرف ها:** کل حرف های به کار رفته در متن 82 حرف است که مشتمل بر: 25 حرف اضافه (30/5 درصد)، 44 حرف ربط (35/7 درصد)، 5 حرف نشانه تفضیلی (6/1 درصد)، 4 حرف نشانه مفعولی (4/9 درصد)، 3 حرف نشانه منفی (3/6) و 1 حرف تأکید (1/2 درصد) می باشد.



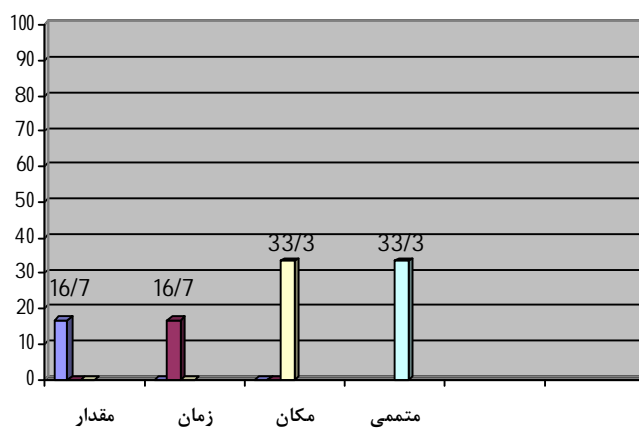
نمودار ج - 7

4. **صفت ها:** کل صفت های به کار رفته در متن 18 صفت است که شامل: 5 صفت تفضیلی (27/8 درصد)، 6 صفت اشاره (33/3 درصد)، 3 صفت مبهم (16/7 درصد)، 3 صفت ساده (16/7 درصد) و 1 صفت مشتق (5/5 درصد) است.



نمودار ج - 8

5. **قیدها:** کل قیدهای به کار رفته در متن 6 قید است که مشتمل بر: 2 قید متممی (33/3 درصد)، 2 قید مکان (33/3 درصد)، 1 قید زمان (16/7 درصد) و یک قید مقدار (16/7 درصد) است.



نمودار ج - 9

بررسی سطح نحوی یا سبک شناسی جمله ها

در این بخش سطح نحوی جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختها، کوتاه و بلند بودن جملات و کاربردهای ساختار دستوری مورد بررسی قرار گرفته که دستاوردهای آن به شرح زیر است.

الف) نامه ها

1. مقدم آوردن فعل بر فاعل و مفعول یا متمم برای تأکید مانند: پدران را باشد بر فرزندان، رأی خواست از وی.
2. حذف فعل به قرینه لفظی مانند: حرکت کرده بود، روی به خدمت نهاده.
3. جابجایی ارکان اصلی جمله به گونه ای که مطابق با نحو رسمی نیست.
4. آوردن جمله کوتاه که از خصوصیات نثر قدیم بود. تا پیش از اینکه نثر فارسی به انحطاط گراید و وجه وصفی متداول شود، نویسندگان بیشتر در جمله های خبری و به هنگام وصف کردن چیزی یا کسی این شیوه را به کار می بردند. مانند: تا کار ما از قاعده بنگشت و فرصت نگاه می داشت و حیلت میساخت و یاران گرفت.
5. تکرار کردن یک جمله یا وابسته های فعل همچون: فاعل یا مفعول یا دیگر متمم های جمله که تکرار آنها یکی از مقصودهای زیر را در نظر می گرفته است: الف) برای تأکید معنی کلمه یا جمله ب) جلب توجه شنونده در نوشته ها ج) در جمله های دراز از ترس اینکه مبدا شنونده یا خواننده فاعل یا متمم را از یاد ببرد.
6. آوردن بای تأکید بر سر فعل مانند: بنگشت.
7. به کارگیری فراوان از مصدر مثل: مکاتبه کردن با خانان ترکستان و عهد بستن و عقد نهادن.
8. آوردن می استمراری بر سر فعل مثل: می بجنبند.
9. جمله های عربی بدون قصد ارسال مثل ذکر حدیث و آیه قرآن در غالب سرفصل ها. مخصوصاً در نامه ها بییهقی مکرر جمله های عربی آورده است. مانند: بسم الله الرحمن الرحيم، بعد الصدر و الدعاء.

ب) متن روایی

1. ارکان اصلی جمله مرتب و هر کدام در جایگاه مناسب خود قرار گرفته است.



2. به کار گیری فعل های مرکب، که معنای کنایه ای دارد. مثل: برکار شدن، بادی گرفتن، روزگار دیدن.
3. پی در پی آوردن افعال که جملات طولانی و شرح حال را بسیار موجز بیان می کند. مانند: «امروز این را برخوانند بر من بدین چه نیشتم عیبی نکنند که من آنچه نیشتم از این ابواب حلقه در گوش باشد»
4. متن روایی یک متن توصیفی است که بیهقی در متن روایی بیشتر از تشبیه استفاده نموده است.
5. ذکر شاعران و اشخاص مهم در متن روایی.
6. به کار بردن اسم به جای صفت با نشانه تر تفضیلی مثل هول تر.
7. به کار بردن نه منفی برای تأکید. مانند: نه (همانا) خرد مردی بر کار شد.
8. نحوه بیان مطلب به لحاظ جمله بندی جلب توجه می کند.
9. به کار بردن واژه ها به طرز خاصی که فقط شیوه بیهقی است. مثل: ترگونه، عاصی گونه

برآیند

- چنان که ملاحظه شد در سطح زبانی از لحاظ لغوی تفاوت بنیادین بین نامه ها و متن روایی وجود ندارد؛ ولی از حیث نحوی یعنی نوع و شیوه نگارش نامه ها با نوع و شیوه نگارش متن روایی تفاوت هایی وجود دارد که بیانگر نکات زیر است:
1. نگارش یک نامه اداری و دیوانی الزامات خاص خود را می طلبد از جمله آنکه در نگارش نامه می بایست اختصار را رعایت کرد به آن دلیل که هدف از نگارش یک نامه رساندن پیغامی از فردی به سوی دیگری است و نمی بایست قلم فرسایی و لفاظی کرد و باید با بیان کوتاه ترین جملات و به کارگیری کمتر واژگان ادای مقصود کرد.
 2. در نامه نویسنده نمی تواند از شگردهای داستان پردازانه در نثر خود استفاده کند و یا دست به دامان تخیل آویخته و وارد عرصه گردد. زیرا استفاده از شگردهای این چنینی و یا پا گذاشتن به عرصه تخیل خاص متون داستانی و روایی و همچنین شعر است و یا آشکارا مشخص است که هدف از داستان پردازی و سرایش شعر چیزی بسیار فراتر از



- منظور و مقصود نگارنده یک نامه (آن هم یک نامه اداری) است.
3. یک نامه اداری ظاهری خشک و رسمی دارد و فقط برای رساندن مقصودی به طور کوتاه و مختصر نوشته می شود و هیچ هدف دیگری از نگارش آن مقصود نیست؛ بنابراین این نوع نگارش نمی تواند متنی درونی و عاطفی باشد بلکه بیشتر متنی دستوری و ایجابی است. اما در نگارش متن روایی می توان به یقین اینگونه پنداشت که نویسنده احساسات درونی خود را برتوسن قلم خویش سوار کرده و به دلخواه آنچه را که درست و زیبا و شیوا تشخیص می داده است بر روی کاغذ جاری می ساخته است.
4. متن روایی یک متن توصیفی و آهنگین و با لحن موزون است که بیشتر رنگ و صبغه شعری دارد و به همین خاطر نسبت به متن نامه ها طولانی تر است. در متن روایی بیهقی غالباً جملات و کلام در جای خویش قرار گرفته است، در حالی که در نامه ها گاهی فعل بر فاعل یا مفعول مقدم است به گونه ای که سبب پراکندگی جملات شده است.



منابع

1. بهار، ملک الشعرا 1373 سبک شناسی جلد دوم، تهران، امیرکبیر.
2. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، 1385، تاریخ بیهقی، ترجمه خلیل خطیب رهبر جلد اول و دوم، چاپ دهم، تهران، نشر مهتاب.
3. تمیم داری، 1379، احمد، تاریخ ادب پارسی، تهران، الهدی.
4. خطیبی، حسین، 1366، فن نثر در ادب فارسی، تهران، انتشارات زوار.
5. خیامپور، عبدالرسول، 1384، دستور زبان فارسی، چاپ دوازدهم، تبریز، انتشارات ستوده.
6. شمیسا، سیروس، 1378، سبک شناسی نثر، چاپ سوم، تهران، نشر اندیشه، پاییز.
7. _____، 1374، کلیات سبک شناسی، چاپ سوم، تهران، نشر اندیشه.
8. عبادیان، محمود، 1372، درآمدی بر سبک شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور.
9. فتوحی، محمود، 1385، آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی، تهران، نشر سخن.
10. مصطفوی سبزواری، رضا، 1386، آشنایی با تاریخ بیهقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، اسفند.
11. ناتل خانلری، پرویز، 1384، دستور زبان فارسی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات توس.
12. یادنامه ابوالفضل بیهقی، 1374، چاپ دوم، دانشگاه فردوسی مشهد.